

ظهور و سقوط شهرها در غرب ایران ساسانی بر اثر تهاجم اعراب مسلمان

سیدحسن قریشی کرین^۱

سها شریفی^۲

چکیده

بصره، کوفه، عسکر مُکرم و واسط الگویی از شهرهایی است که با هدف اسکان سربازان و لشکریان ساخته شدند و به مرور زمان صورت یک شهر اسلامی پیشرفته را به خود گرفتند. با توجه به جایگاه و نقش ویژه‌ای که این شهرهای مرزی غرب امپراتوری ساسانی در ورود اسلام به ایران داشته‌اند به مرور جایگاه و نقش سرزمین‌های مهمی همچون اُبله، حیره، روستاک کواد و کسکر را گرفتند. این پژوهش با استفاده از رویکردی نظری و تحلیلی به روش کتابخانه‌ای در پی پاسخ به این پرسش است که هدف از تأسیس این شهرها چه بوده و چه عواملی در رونق و گسترش آن‌ها مؤثر بوده است؟ یافته‌ی پژوهش نشان می‌دهد ساخت شهرهای بصره، کوفه، عسکر مکرم و واسط با توجه به موقعیت جغرافیایی بین‌النهرین گرچه با هدف نظامی بود؛ اما به مرور زمان با تأثیرپذیری از فرهنگ اسلامی به یک شهر اسلامی با عناصر مدنی آن درآمده و فرهنگ ایرانی و عربی در شکل‌دهی آن مؤثر بوده است.

واژه‌های کلیدی: بصره، کوفه، عسکر مکرم، واسط، اُبله، کواد، ساسانیان، شهرسازی اسلامی.

shquorishi@gmail.com

Soham.sharif2014@gmail.com

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

۲. کارشناس ارشد تاریخ

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۲۰

مقدمه

از همان ابتدا که بشر به سمت شهرنشینی روی آورد عوامل طبیعی و موقعیت جغرافیایی نقش مهم و غیرقابل انکاری در پیدایش و روند شکل‌گیری شهرها و انحطاط آنها ایفا کرده است. می‌توان این گفته را با کمی مطالعه و تفحص در تاریخچه‌ی تأسیس شهرهای کهن تأیید و تثبیت کرد. اگرچه این عامل امروزه به دلیل پیشرفت علم و صنعت دیگر همچون سابق نقش‌آفرینی نمی‌کند و یا شاید حتی در اولویت‌های آخر برای احداث یک شهر در نظر گرفته شود؛ اما با وجود این هنوز هم از عوامل مهم و مؤثر در احداث یک شهر به حساب می‌آید. در فتوحات اسلامی شهرهای جدید همچون بصره، کوفه، واسط و عسکر مکرّم که با اهداف نظامی و سیاسی تأسیس شدند ویژگی‌های طبیعی و موقعیت جغرافیایی آنها از عوامل اصلی انتخاب این شهرها به‌عنوان مراکز نظامی و سیاسی بوده است. تأسیس شهر بر اساس موقعیت جغرافیایی شیوه‌ای اقتباس شده از شهرسازی تمدن بین‌النهرین بود. اعراب مسلمان پس از ورود به این سرزمین با دستاوردهای مدنی آنجا از جمله شهرسازی آشنا شدند و تأثیر بسیاری پذیرفتند. البته نباید تأثیرپذیری اعراب مسلمان از شهرسازی میان‌رودان را به این شکل معنی کرد و آن را کاملاً منطبق با مدنیت بین‌النهرین دانست چرا که مسلمانان قبل از آن الگوی خاصی برای ایجاد شهر اسلامی نداشتند. آنان با الگوی شهر اسلامی مدینه در عصر حضرت رسول (ص) آشنا بودند که بیشتر متأثر از فرهنگ عربی بود ولی نمادهای اسلامی مانند مسجد در ساخت آن رعایت می‌شد. شیوه‌ی شهرسازی بین‌النهرین و شهرسازی اسلامی با هم تفاوت‌هایی داشت، آنچه تفاوت بین شهرسازی اسلامی و شهرسازی بین‌النهرین را مشخص می‌کند ارتباط و اتصال مسجد به‌عنوان یک نهاد مذهبی، دارالاماره به‌عنوان یک مرکز سیاسی و بازار به‌عنوان شاخصه‌ی اقتصادی شهر اسلامی است که این امر نیز ملهم از سنت عرب در دوره‌ی جاهلی بوده است و مسلمانان این شیوه را به خوبی پذیرفتند. این در حالی است که در شهرهای بین‌النهرین انفصال و جدایی پرمعنایی میان قصر و معبد وجود داشت. البته در عصر کلدانی‌ها که به‌عنوان آخرین اقوام ساکن در بین‌النهرین باستان بودند، بر اثر نفوذ آشوری‌ها تا حدی بین معبد و قصر ارتباط و پیوند برقرار گردید (سلطان‌زاده، ۱۳۶۷: ۸۸-۹۱) و شهرهای اسلامی نیز با الگوگیری از شهرهای هخامنشی و ساسانی با مرکزیت اماکن دینی شکل گرفت (همان، ۱۳۶۷: ۵۰-۵۳) نکته‌ی دیگر در این خصوص بازار در شهر اسلامی و شهر بین‌النهرینی است. همجواری مسجد و بازار بارزترین ویژگی شهر اسلامی است که یکی از ابداعات مسلمانان بوده است؛ حال آنکه در شهرهای بین‌النهرین بازار جزء کم‌اهمیتی از شهر بود که ارتباط محدودی با معابد و اماکن مذهبی داشت.

شهرهایی که در سال‌های نخست فتوح اسلامی توسط اعراب مسلمان در حوزه‌ی موقعیت جغرافیایی پژوهش حاضر ساخته شد عبارت بودند از: بصره (وهشتاباد اردشیر)، کوفه، عسکر مکرم (روستاگ گواد) و واسط (کسکر) که ابتدا اردوگاهی برای استقرار سپاهیان بودند و به مرور زمان شکل شهری پیشرفته به خود گرفتند. مسجد، دارالاماره و بیت‌المال اولین اماکن بناشده در این شهرها بود و بعدها بازار، حمام و دیگر اماکن عمومی بدان افزوده شد. این پژوهش ضمن بررسی سقوط شهرهای باستانی غرب امپراتوری ساسانی و ظهور شهرهای اسلامی در بدو ورود اسلام به غرب ایران به عوامل مؤثر در رونق و شکل‌گیری شهرهای اسلامی (بصره، کوفه، عسکر مکرم و واسط) در غرب ایران پرداخته و تأثیر ساخت شهرهای اسلامی فوق را در روند ورود اسلام به ایران مورد بررسی قرار داده است.

آثاری چون جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی اثر لسترنج، مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران اثر حسین سلطان‌زاده، مدخل «حیره»، «بصره» و «أبله» در دانشنامه‌ی جهان اسلام و دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، واسط فی ضوء المصادر المسماریه اثر عامر عبدالله الجمیلی، تاریخ الحیره فی الجاهلیه و الاسلام تألیف عارف عبدالغنی، کوفه از پیدایش تا عاشورا تألیف نعمت‌الله صفری فروشانی در مورد موضوع پژوهش حاضر اطلاعات ارزشمندی ارائه داده‌اند. هدف این پژوهش چگونگی پیدایی شهرهای اسلامی، سقوط شهرها و تأثیر فرهنگ اسلامی و ایرانی در پیدایش و گسترش آن است.

۱- بصره (وهشتاباد اردشیر)

اولین شهر اسلامی — نظامی بصره با کشته شدن مه‌ران، فرمانده سپاه ایران عصر ساسانی، در ماه صفر سال چهاردهم هجری با دستور خلیفه عمر بن خطاب به عتبه بن عَزْوان ساخته شد (طبری، ۱۳۷۵: ۱۷۶۹/۵-۱۷۷۰؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۶۳/۱). این نخستین تجربه‌ی مسلمانان در ساخت شهر اسلامی بود که از بین‌النهرین آغاز شد و در قالب پادگان‌های نظامی به‌عنوان شهر با نام بصره و کوفه احداث شدند. بصره به معنی سنگ سیاه (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۶۳/۱؛ لسترنج، ۱۳۳۱: ۴۸) سنگ سست، سنگ گچ و زمین سنگزار (یاقوت، ۱۳۷۴: ۳۶۳/۲؛ ذهبی، ۱۴۰۹: ۱۲۹/۳) آمده است. بصره در نزد اعراب به دلیل دارا بودن سنگ‌های سفید سخت معروف به سرزمین هند یا ارض‌الهند بوده است (طبری، ۱۳۷۵: ۱۷۶۹/۵-۱۷۷۰) برخی از منابع همچون کتاب حدودالعالم، بصره را عربی شده‌ی «بس‌راه» دانسته‌اند (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۵۲) یعنی با جاهای زیادی در ارتباط بوده و راه‌های زیادی از آنجا می‌گذشت. برخی موقعیت آن را با وهشتاباد اردشیر، از شهرهای ایران باستان، و یا شهر بُردُن یا بُردُم، از شهرهای بابل، منطبق دانسته‌اند

(۱ اسماء، ۱۹۲۷م: ۶۱۰-۶۱۱؛ فاتحی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۱۹۷). در دوره‌ی ساسانی جزء طسوج بهمن‌ارد شیر از استان شاذبه‌من به شمار می‌رفت (ماسینیون، ۱۴۰۰ق: ۲۵) و پیش از تأسیس، اردوگاه سربازان ایرانی برای حفاظت از مرزهای ایران بوده است (دینوری، ۱۳۹۹ق: ۴۳۱/۱).

با فتح شهرهای بحرین، توج، نوبندگان و حیره به دست سپاهیان اسلام، عمر احساس خطر کرد و بر آن شد تا برای حفظ و بقای شهرهای تازه فتح‌شده شهری نظامی بنا کند. بنابراین، افرادی را مأمور کرد سرزمینی مناسب و نزدیک به دارالخلافه بیابند. در این حین فردی به نام ثابت از قبیله بنی‌سدوس که او نیز از جانب عمر مأمور یافتن مکان برای ساخت پادگان شهر نظامی بود به خلیفه نامه نوشت و او را از سرزمینی که چهار فرسنگ دورتر از دجله بود و در آن یک کاخ و چند انبار جنگ‌افزار ایرانی وجود داشت و «وهشتاباد اردشیر» نامیده می‌شد، مطلع ساخت. عمر آنجا را تأیید کرد (یاقوت، ۱۳۷۴: ۱۵۳/۱-۱۵۴). عمر به فرماندهی خود عقبه بن غزوان مازنی که در مدائن به همراه سپاه خود مستقر بود طی نامه‌ای دستور داد که به سمت بصره‌ی امروزی حرکت کند.

عقبه بن غزوان پس از دریافت دستور خلیفه به همراه سپاه ۵۰۰ نفری خود، متشکل از ۳۰۰ نفر از سپاهیان دارالخلافه و ۲۰۰ نفر از اعراب بدوی، به سمت بصره حرکت کرد و پس از استقرار در چهارمین منزلگاه به شهر باستانی وهشتاباد ارد شیر رسیدند. به علت ویران بودن آن نام الخُریبه، به معنی ویرانه، را بر آن نهادند زیرا فرماندهی عرب، مثنی بن حارثه شیبانی، در زمان خلیفه‌ی اول طی یورش‌هایی این شهر کهن را ویران کرده بود (همان، ۱۳۷۴: ۱۵۳/۱-۱۵۴). پس از تأسیس بصره، الخریبه به‌عنوان بخشی از بصره درآمد (البکری، ۱۴۰۳ق: ۴۹۶؛ ذهبی، ۱۴۰۹ق: ۱۲۹/۳). عقبه زمانی که به سرزمینی در مناطق حاصلخیز و دارای نیزار واقع بر کرانه‌ی صحرا میان فارس و عربستان رسید، خلیفه را از این امر مطلع ساخت (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۶۳/۱). عمر بن خطاب نیز به عقبه دستور داد که تا ارزیابی مکان جدید به همراه سپاهیان در آنجا مستقر شود.

زمانی که خلیفه دوم و فرماندهی سپاه دارالخلافه بر مناسب بودن بصره اتفاق نظر پیدا کردند، عقبه به دستور خلیفه به همراهان خود اجازه داد در آنجا خانه بسازند. عقبه بن غزوان نیز مسجدی از نی بنا کرد و در میدان دهنه که امروزه میدان بنی‌هاشم نامیده می‌شود، دارالاماره ساخت و زندان و دیوان را نیز کنار آن بنا کرد (بلاذری، ۱۳۳۷: ۴۸۵-۴۸۶). پس از آن از دجله دو نهر به سوی شهر کشیدند: نهر اُبُلّه و نهر معقل. این دو نهر بصره را سیراب می‌کردند و علاوه‌براین دو نهر از رود دجله شاخه‌هایی به سوی عبّادان و مَدّار من‌شعب

شده بود. درازای شهر در مقابل نهر واقع بود و کنار آنها دروازه‌ی شهر قرار داشت و خانه‌ها در سمت بیابان ساخته شد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۶۳/۱). ابوموسی اشعری زمان ولایتداری خود مسجد و دارالاماره را با خشت و گل بازسازی کرد، آن را وسعت داد و سقف مسجد را با علف پوشاند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۴۸۵-۴۸۶). با توجه به آنچه در خصوص چگونگی تأسیس شهر بصره گفته شد، پیداست این شهر در ابتدا با هدف ایجاد یک اردوگاه نظامی و یا به قولی به صورت پادگان شهر بنا شد؛ اما با گذر زمان به شهری بزرگ تبدیل گردید که مسجد و دارالاماره هسته‌ی مرکزی آن را تشکیل می‌داد. شمار ساکنان بصره ابتدا اندک و منحصر به جنگجویان بود، پس از فتوح نواحی مختلف قبایل عرب در این منطقه ساکن شدند و به تدریج وسعت و جمعیت آن افزایش یافت و تا سال ۳۵ق. به شصت هزار نفر رسید (یاقوت، ۱۳۷۴: ۴۳۱/۱).

۲- اُبله

از آنجا که پادگان شهر بصره در کنار بقایای شهر باستانی و مرزی ساسانی به نام وهشتاباد اردشیر ساخته شد، به مرور زمان با تثبیت و تحکیم قدرت نظامی خلافت اسلامی آن دوره در شهرهای مرزی ساسانی بر وسعت این پادگان افزوده شد و جایگاه نظامی و موقعیت مکانی شهر وهشتاباد اردشیر را به خود گرفت و آن را از شمار شهرهای مرزی ایران خارج ساخت و با نام جدید بصره به جهان امروز معرفی کرد. به موازات تحکیم قدرت نظامی خلافت اسلامی در مرزهای ساسانی بر قدرت سیاسی و اقتصادی دارالخلافه افزوده شد و پادگان شهر بصره علاوه بر تصاحب جایگاه نظامی شهر وهشتاباد اردشیر، نقش تجاری و بندری یکی دیگر از شهرهای باستانی ساسانی به نام شهر اُبله را که از شهرهای بندرگاهی مهم ایران ساسانی بود نیز گرفت و رفته‌رفته موجب از رونق افتادن بندرگاه اُبله شد.

در خصوص وجه تسمیه اُبله در کتاب‌های جغرافیدانان اسلامی آمده است که در دوران نبطیان زنی می‌فروش به نام هوب زندگی می‌کرد و چون گروهی از نبطی‌ها برای خرید می‌سراغ او را می‌گرفتند، به آنها گفته می‌شد «هوب لاکا» با تشدید لام، یعنی «هوب در اینجا نیست». کم‌کم این جمله نام آن منطقه واقع شد. فارسیان پس از تسلط بر نبطیان جمله‌ی «هوب لاکا» را با لهجه‌ی خود به شکل «هوبلت» تلفظ می‌کردند تا آنکه عرب‌ها بر آنجا چیره شدند و آن را معرب کردند و به صورت اُبله خواندند (یاقوت، ۱۳۷۴: ۹۱/۱). بنای این شهر را به ارد شیر بابکان (ابن قتیبه، ۱۳۸۸ق: ۶۵۴) و یا ارد شیر درازد ست نسبت داده‌اند (گردیزی، ۱۳۴۷: ۱۵). برخی معتقدند این همان شهر اپولوگوس (Apologos) یونانی است (لسترنج، ۱۳۳۷: ۳۴ و ۶۸).

۱-۲. موقعیت مکانی و جغرافیایی شهر اُبله

أبله شهر باستانی و بندرگاهی ایران ساسانی که گرد آن را آب فرا گرفته بود، بر کرانه‌ی دجله (حموی، ۱۳۷۴: ۹۲/۱) و در چهار فرسخی و شمال شرقی بصره قرار داشت (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۱۹۴). جغرافیدانان اسلامی آبادانی شهر أبله را مرهون نهر أبله که در کنار خود شهر بود، می‌دانند (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۵۲). أبله قدمت تاریخی و تمدنی بس عظیم و غنی‌تری از شهر بصره داشت و یکی از مراکز مهم تولید دستار و عمامه (همان، ۱۳۶۲: ۱۵۲) در عصر خویش بوده است.

زمانی که سپاه دارالخلافه به فرماندهی عتبه بن غزوان راهی ارض هند یا بصره شد، در پادگان نظامی و باستانی وهشتاباد اردشیر (الخریبه) مستقر گردید. شهر أبله، برخلاف وهشتاباد اردشیر، هنوز شهری آبادان و بندرگاهی بود که کشتی‌های بازرگانی از چین و جاهای دیگر در اسکله‌ی آن پهلو می‌گرفتند (طبری، ۱۳۷۵: ۱۷۷۲/۵). این شهر بندرگاهی تا قرن هفتم هجری به حیات بازرگانی و تجاری خود ادامه داد، به طوری که ابن بطوطه در سفرنامه‌ی خود از أبله به‌عنوان شهر بزرگی یاد کرده است که تجار هند و فارس اجناس خود را به آنجا می‌آورده‌اند. به گفته‌ی او بعدها آن شهر ویران گردید و اکنون أبله قریه ایست که آثار کاخ‌ها و عمارت‌های قدیمی آن پیدا است و معلوم می‌شود که در گذشته وسعت و عظمتی داشته است (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲۳۲/۱).

حافظ ابرو که با فاصله‌ی زمانی چند قرن از ساخته شدن پادگان شهر بصره کتاب جغرافیایی خود را نوشته است شهر أبله را شهرکی کوچک توصیف کرده که «بساتین بسیار دارد و جایی متنزه است. آب‌های دجله و فرات پس از یکی شدن و اسط از بطیحات می‌گذرد و پس از آن حدود بصره است و از بطیحات عبّادان که نزدیک به دریای فارس می‌ریزد. رود فرات هم از شرق أبله می‌گذرد و نهر أبله که به بصره می‌رود را از جنوب أبله برداشته‌اند، چنانکه شهر أبله در میان دو آب است. در أبله از هر طرف که بنگری همه آب روان و زهتگاه‌ها بینی از خوشی چنانکه در وصف نیاید» (حافظ ابرو، ۱۳۷۸: ۸۴/۲).

با توجه به آنچه گفته شد و با توجه به ساخته شدن شهر نظامی و بندری بصره و تثبیت موقعیت این شهر به خاطر تغییر نظام حکومتی و تعیین شهر بصره به‌عنوان مقر کنترل شهرهای فتح شده، شهر أبله به مرور زمان جایگاه خود را با وجود آن همه سابقه‌ی تاریخی از دست داد.

۳- کوفه

کوفه دومین پادگان شهر پس از بصره بود که توسط مسلمانان فاتح بنیان نهاده شد. این پادگان شهر در زمان خلافت عمر بن خطاب در سال ۱۷ق. تأسیس شد (طبری، ۱۳۷۵: ۱۸۳۶/۵). در سنت ایرانی ساخت این

شهر به هوشنگ نسبت داده شده (دریایی، ۱۳۸۸: ۷۶) و مکان‌یابی آن برعهده‌ی فرماندهی سپاه، سعد بن ابی وقاص، با مشاورت سلمان فارسی و حذیفه بن الیمان بوده است. کوفه از تَکْوَف به معنای تَجَمُّع و اجتماع گرفته شده است و علت نامگذاری آن را انباشته شدن ریگ در آن گفته‌اند (مختصر کتاب البلدان، ص ۱۵۴). عده‌ای نیز موضع دایره‌ای شکل از شن را کوفانی نامیده‌اند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۳۹۳-۴۰۹) و به گفته‌ی مقدسی «اعراب هر زمینی که شن با ریگ آمیخته باشد را کوفه می‌نامند» (مقدسی، ۱۳۶۷: ۱/۱۶۲). یاقوت می‌گوید: «نام کوفه از تپه‌ی کوچکی که در وسط آن شهر واقع بود به نام کوفان گرفته شده و به قول بعضی کوفان به معنی بلا و شر است» (یاقوت، ۱۳۷۴: ۴/۴۹۰). کوفه قبل از استقرار مسلمانان در آن سورستان نامیده می‌شد (همان، ۱۳۷۴: ۴/۴۹۰؛ بلاذری، ۱۴۰۷: ۳۸۸). مرز عرق را که در حوالی کوفه‌ی امروز و قلمرو پادشاهان دست‌نشانده‌ی حیره بوده است سورستان می‌نامیدند (رجبی، ۱۳۷۸: ۱۰۱).

۱-۳. طریقه‌ی ساخت پادگان‌شهر کوفه

هنگامی که سعد بن ابی وقاص از جنگ قادسیه و پیروزی در این جنگ فارغ شد، متعاقباً پیروزی‌ها و فتوح دیگری از جمله فتح جلولا و حلوان توسط قعقاع بن عمرو و تکریت و حصنین توسط عبدالله بن معتمر و ابن افکل نصیب سپاه دارالخلافه شد (طبری، ۱۳۷۵: ۵/۱۸۴۴-۱۸۴۷). سعد بن ابی وقاص نیز پس از پیروزی در جنگ قادسیه عازم مدائن شد. در این مسیر شهرهای رومیه و بهرسیر را به صلح و شهرهای اسپانبر و کرد بناداز را به عنوه فتح کرد و پس از آن مدائن را گشود. سپاه دارالخلافه پس از فتح مدائن در آنجا مستقر شدند و زمین‌هایی را به خود اختصاص دادند و مسجدها بنا کردند؛ اما آب‌وهوای مدائن نامناسب با احوال سپاه بود و باعث بیماری آنان شد. مدائن آب‌وهوای مرطوب و پشه‌گیر داشت و این نوع آب‌وهوا برای اعرابی که به آب‌وهوای گرم‌و‌خشک شبه جزیره‌العرب عادت داشتند نامناسب واقع شد (بلاذری، ۱۳۳۷: ۳۹۳). سعد بن ابی وقاص در این باره به خلیفه نامه نوشت تا در ارتباط با مشکل پیش‌آمده مشورت کند. عمر بن خطاب به سعد گفت: «مکانی با حال سپاهیان مناسب است که شتران آنان را مناسب باشد پس جایی قابل سکونت و بقاء برای آنان جست‌وجو کن که مناسب حال آنان باشد و حایلی هم مانند شط و پل میان دارالخلافه و سپاه نداشته نباشد» (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۸/۳۵۲).

سعد بن ابی وقاص پس از کسب تکلیف در خصوص مشکلی که با آن مواجه شده بود به دستور خلیفه‌ی دوم سپاه را در سوق حکمه و به قولی کویفه ابن عم سکونت داد؛ اما پس از مدتی آنجا را هم به دلیل بیماری سپاهیان ترک کردند زیرا دورتادور کویفه را آب فرا گرفته بود و زمینی مرطوب، پست و پشه‌گیر بود (همان،

۱۳۳۷: ۳۹۳). به دستور خلیفه‌ی دوم، سعد بن ابی وقاص برای یافتن پادگان شهری که مناسب با احوال سپاهیان عرب باشد سلمان فارسی و حذیفه یمانی را مأمور یافتن مکان مناسب با شرایط احوال اعراب کرد. این دو طبق وظیفه‌ای که به آنان محول شد راهی شدند. سلمان فارسی از جانب غرب فرات عبور کرد و عازم شهر انبار شد؛ اما جایی را نپسندید تا به ریگزاری با شن‌های سرخ رسید. حذیفه یمانی نیز از مشرق فرات رفت و جایی را نپسندید تا او هم به ریگزاری با شن‌های سرخ که آنجا را سهله می‌گفتند، رسید. از آنجا که اعراب هر جا را که ریگ و شن در هم آمیخته با شد کوفه می‌گفتند آنجا را کوفه نامیدند (ابن خلدون، ۱۳۶۲: ۵۳/۱). در آنجا سه دیر واقع بود: دیر خرقة، دیر ام عمرو و دیر سلسله و مابین آنها خانه‌ها قرار داشت. هر دو محل را پسندیدند و آنجا فرود آمدند و نماز خواندند و دعا کردند؛ خداوند این کوفه را بر ما مبارک دار و آنجا را منزلگاه ما قرار ده. سلمان و حذیفه به نزد سعد برگشتند و نتیجه‌ی تفحص خود را به فرمانده گزارش دادند (طبری، ۱۳۷۵: ۱۸۴۴/۵-۱۸۴۷). وی نیز به قعقاع بن عمرو و عبدالله بن معتمر دستور داد نزد وی بروند. پس از تجمع سه فرمانده در کوفه، سعد بن ابی وقاص به خلیفه نامه نوشت که «در سرزمین کوفه که از فلات پایین‌تر و از زمین‌های پست مرتفع‌تر و واقع میان حیره و فرات است و آن را سورستان (شورستان) می‌نامند فرود آمده‌ام» (جنائی، ۱۳۸۶ق: ۱۱) که «بنا به خواسته‌ی شما هم به بیابان و هم به دریا متصل است، سرزمینی مناسب به حال شتران است، لشکریان را میان کوفه و مدائن مخیر کردم» (ابن خلدون، ۱۳۶۲: ۵۳/۱). این واقعه در سال هفدهم هجری قمری، دو سال و دو ماه بعد از فتح قادسیه و سه سال و هشت ماه از آغاز خلافت عمر بن خطاب، اتفاق افتاد (طبری، ۱۳۷۵: ۱۸۴۴/۵-۱۸۴۷). پس از استقرار اعراب، عمر به سعد بن وقاص دستور داد در کوفه مسجد عمارت کند (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۱۵۹).

تأسیس پادگان شهر کوفه علاوه بر اسکان سپاهیان هدف دیگری نیز داشت، نیروی نظامی اعراب مسلمان به فرماندهی سعد بن ابی وقاص زمانی که به سرزمین ایران رسیدند به یک خط ارتباطی و مواصلاتی میان مرکز دولت اسلامی با میدان‌های جنگ نیاز داشت. این سخن را می‌توان با توجه به دستورها و حساسیت‌های خلیفه‌ی دوم در انتخاب محل پادگان‌ها و نیز شرایط وی در تعیین محل این پادگان‌های نظامی از قبیل نبود حایل بین خود و آنها کاملاً متوجه شد. بنابراین، با توجه به آنچه گفته شد کوفه و بصره علاوه بر اینکه به‌عنوان پایگاه‌های نظامی ثابتی در نزدیکی میدان‌های جنگ بوده‌اند، به‌عنوان یک نقطه‌ی اتکاء و قوتی برای مسلمانان از طریق ارتباط با مرکز خلافت اسلامی نیز بوده‌اند. داشتن آب‌وهوای خوش، نزدیکی به رود پرآب فرات، مجاورت با ایران و وضعیت اقتصادی مناسب که از راه خراج و غنایم سرزمین‌های فتح شده به دست

آمده بود، این شهر را پذیرای سیل مهاجرت اقوام، قبایل و مردم مختلف از سراسر مملکت و سیع اسلامی کرد و پس از مدت کوتاهی شهر آباد و تاریخی حیره را تحت الشعاع قرار داد. برخی از محققان با استناد به گزارش‌های تاریخی بر این باورند که بنای کوفه در ابتدا به صورت شهری بوده نه پادگانی، چون در ساخت شهر محدوده‌ی قبایل، مسجد و قصر مشخص می‌شود (جعیط، ۱۹۸۶: ۱۱۹-۱۲۱).

۲-۳. ویژگی‌های طبیعی و انسانی پادگان شهر کوفه

کوفه به سبب نزدیکی به فرات به فاصله‌ی نیم فرسخی در شرق آن نخلستان فراوانی داشته و قصبه‌ی آنجا نیکوتر و بزرگ‌تر از دیگر ولایت‌ها بوده و غله و پنبه و دیگر ارتفاعات حاصل نیکو داشته است (اصطخري، ۱۳۶۲: ۸۳؛ مستوفی، ۱۳۸۲: ۶۹-۷۲). علاوه بر آن، خرما، انگور، زیتون و انار به عمل می‌آمد (صفری فروشانی، ۱۳۹۱: ۴۵). در این منطقه به طرف شمالی بر چهار فرسنگی آن نزدیک به دیه‌ی بیر ملاحه، مشهد ذوالکفل پیغمبرست و بنی اسرائیل گور او را همچون مسلمانان که کعبه را، زیارت می‌کردند. در دو فرسنگی کوفه و رو به قبله، مشهد حضرت امیرالمؤمنین علی مرتضی (ع) واقع شده است. همچنین در هشت فرسنگی و در غرب کوفه، کربلای معلی واقع گردیده است. در ترکیب جمعیتی شهر کوفه تعداد افرادی که از نواحی دوردست آمده بودند بین پانزده تا بیست هزار نفر برآورد می‌شد که ساخت و ترکیب قبیله‌ای بسیار ناهمگونی داشتند و هیچ طایفه‌ی بزرگی که در کوفه حاکمیت را در دست داشته باشد، نبود. شهر کوفه بر اساس تقسیم‌بندی قبایل که سعدبن ابی وقاص پس از مشورت با عمر بن خطاب انجام داده بود، از هفت بخش قبیله‌ای تشکیل می‌شد که شامل قبایل مختلف نزاری و یمنی بود. بلاذری می‌نویسد: «تعداد کل مهاجرین اولیه به کوفه بیست هزار نفر بود که از دوازده هزار نفر یمنی و هشت هزار نفر نزاری تشکیل شده بود». وی چهار هزار نفر از دیلمیان را که همراه با مهاجران عرب ساکنان اولیه‌ی کوفه را تشکیل می‌دادند نیز به این رقم اضافه می‌کند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۳۷-۴۱).

۴- حیره

به خاطر حساسیتی که فتوحات عهد خلیفه‌ی دوم داشت، در ساخت و انتخاب مکان پادگان شهر کوفه، همانند پادگان شهر بصره، دقت فراوانی شد و مشورت‌های فراوانی صورت گرفت. پادگان شهر کوفه به خاطر اینکه خط مواصلاتی میان مرکز خلافت و مرزهای سرزمین‌های فتح‌شده و نیز پشتیبان سپاه فاتح بود می‌بایست در منقطه‌ی نظامی برج‌سته‌ای ساخته می‌شد. بنابراین، در کنار شهر مرزی و باستانی حیره که سالیان متمادی هم نقش نظامی برج‌سته داشت و به‌عنوان یک شبکه پدافندی محسوب می‌شد (دریایی،

۱۳۸۸: ۷۰) و هم نقش اقتصادی و تجاری پررنگی در ایران عصر ساسانی ایفا می‌کرد، ساخته شد. نام حیره برگرفته از ریشه‌ی آرامی و واژه‌ی سریانی به معنی اردوگاه و اقامتگاه است (علی، ۱۹۷۶: ۱۵۵/۳-۱۵۶؛ عودی، ۱۳۸۹: ۵۲۷/۱۴).

در منابع آمده است: «شهر باستانی حیره از اقلیم سوم واقع بر کرانه‌ی بیابان که فاصله‌ی آن تا کوفه يك فرسنگ راه است» (اصطخری، ۱۳۶۲: ۸۴؛ حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۵۴) که «توسط هو شنگ پیدشادی ساخته شد و از مداین هفتگانه عراق است. آثار و خرابی‌های کاخی که نعمان برای بهرام گور ساخته بود هنوز پابرجاست و عمارتی بس عالی بوده است» (مستوفی، ۱۳۶۲: ۴۰). نولدکه هم درباره‌ی قدمت تاریخی این شهر آورده: «حیره و انبار هر دو در زمان بخت‌النصر ساخته شده بود؛ حیره ویران شد و مردم آن به انبار رفتند... تا آنکه در زمان عمرو بن عدی از نوآباد شد؛ چون او در حیره سکونت گزید. از آن زمان به بعد پانصد و سی سال و اندی شهر حیره آباد بماند» (نولدکه، ۱۳۷۹: ۵۱).

شهر حیره از جمله شهرهای باستانی بود که همیشه مورد توجه پادشاهان ایران قرار داشت. در دوره‌ی ساسانیان پایتخت ملوک لخمی بود که آنها نیز خود فرمان‌بردار پادشاهان ساسانی بودند (طبری، ۱۳۷۵: ۴۳۷/۱؛ یعقوبی، ۱۳۴۹: ۸۸؛ پیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۱۶۰) و مانند حصارای ایران را از تاخت‌وتاز بدویان چادرنشین محفوظ می‌داشتند (کریستین سن، ۱۳۴۵: ۱۱۵). با بزرگ شدن شهر کوفه از آبادانی حیره کاسته شد و سپس به تدریج از میان رفت.

۴-۱. موقعیت جغرافیایی شهر حیره

شهر حیره در شمال شبه جزیره‌ی عربستان و در میان صحرای شام و مرزهای غربی امپراتوری ساسانی قرار داشت که از جهت شمال و شرق با ساسانیان و از طرف جنوب و غرب با اعراب همسایه بود. رود فرات در سمت مشرق آن قرار داشت. حیره به داشتن آب‌وهوای سالم، زمین‌های حاصلخیز، باغ‌های پرمیوه، چاه‌های گوارا و حوض‌ها و جویبارهای فراوان شهره بود (ابن قتیبه، ۱۳۸۸: ۲۶۲؛ حمزه اصفهانی، بی‌تا: ۹۷). در تابستان گرم و در زمستان سرد بود (عبدالغنی، ۱۴۱۴: ۱۴). پیرامون حیره را نخلستان و باغ فرا گرفته بود و محله‌ی کناسه سمت بادیه‌ی غرب آن قرار داشت (مقدسی، ۱۳۶۷: ۱۶۲/۱). در میان سه دیری که طبری در کوفه‌ی قبل از اسلام نام می‌برد، دیر ام عمرو قرار داشت. عمرو از پادشاهان حیره بود که در قرن ششم میلادی به حکومت رسید. مادر او به نام هند که مسیحی معتقدی بود، دیری برای عبادت خود ساخت که بعدها به نام دیر هند یا دیر ام عمرو مشهور گردید (طبری، همان).

شهر حیره در زمان حکومت ساسانیان مرکز صدور پارچه‌های خز و حریر و عمامه‌ها و ردهایی از خز و همچنین شکر و عطر به سرزمین‌های یمن و چین و هند بود. موقعیت بازرگانی مهمی داشت (مستوفی، ۱۳۶۲: ۶۹-۷۲). این شهر علاوه بر دارا بودن نقش مهم بازرگانی از لحاظ نظامی نیز نقش مهمی را ایفا می‌کرد به طوری که در زمان تأسیس شهر کوفه توسط سپاه دارالخلافه در عهد خلیفه‌ی دوم در شهر حیره قلعه و دژ وجود داشت و به‌عنوان شهر نظامی مرزی به حیات خود ادامه می‌داد (یاقوت، ۱۳۷۴: ۴/۴۹۰). سرانجام این شهر با تأسیس شهر نظامی کوفه و پیشرفت آن اهمیت سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را از دست داد و موقعیت مهم خود را به شهر کوفه داد؛ زیرا در زمان ولایت‌داری سعد بن ابی وقاص شهر کوفه به جای حیره مرکز سورستان قرار گرفت (بلاذری، ۱۳۳۷: ۳۹۳).

مردم حیره از سه گروه تشکیل می‌شدند، قسمتی از قبیله‌ی تنوخ و چادرنشین، گروهی از احلاف و نبطیان و گروهی از مسیحیان عرب معروف به عبادیان بودند که خواندن و نوشتن می‌دانستند و در صنعت و پزشکی و زبانه‌های خارجی مهارت داشتند (مرادیان، ۱۳۵۵: ۹). عده‌ای ایرانی نیز در این شهر زندگی می‌کردند (ابن قتیبه، ۱۳۸۸ق: ۱۶۲).

۵- عَسْكَرُ مُكْرَم

عسکر مکرّم از شهرهای دوره‌ی قبل از اسلام و از جمله شهرهای دوره‌ی ساسانی در خوزستان بود که در منابع به اسم اشکر یا عسکر نیز آمده است (دریایی، ۱۳۸۸: ۹۰). در عصر فتوح اسلامی در کنار یکی از شهرهای ساسانی به نام روستاگ گواد یا لشگر دوباره شهرت یافت. روستاگ گواد در زمان ساسانیان شهر بااهمیتی بود که در میان دو رود شوشتر و مَسْرُقَان واقع بود (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۴۵-۴۶). عسکر مکرّم در دوره‌ی حجاج به پادگان بزرگی تبدیل شد و اهمیت نظامی پیدا کرد.

طریقه‌ی ساخت شهر عسکر مکرّم

حجاج بن یوسف، عامل بنی‌امیه و والی عراق در دوره‌ی خلافت عبدالملک بن مروان، یکی از سرکردگان عرب به نام مُکْرَم بن الفزّر از قبیله‌ی بنی‌جعونه را برای خاموش کردن فتنه‌ی شخصی ایرانی به نام خرداد بن پارس به خوزستان گسیل داشت. مکرّم به خاطر شرایط محیطی رستم گواد در کنار این شهر باستانی که اعراب آن را رستقباد نامیدند، پادگان شهری ساخت و در آن مستقر شد. بعدها بر وسعت این شهر افزوده و بناهای زیادی در آن ساخته شد و شهر رستم گواد را نیز دربرگرفت و به عسکر مکرّم یعنی اردوگاه مکرّم

معروف گردید (ابوالفداء، ۱۳۸۵: ۳۱۷؛ مهلبی، ۱۳۸۵: ۱۲۴).

منطقه‌ی عسکر مکرم از کشاورزی مستعدی برخوردار بود به طوری که از عمده‌ی محصولات این شهر نیشکر بود که مورخان از آن به عنوان مرغوب‌ترین نیشکر خوزستان یاد کرده‌اند. این شهر در دوره‌ی رونق خود تأمین‌کننده‌ی شکر در محدوده‌ی کشورهای اسلامی تا مصر بود (ابن حوقل، ۱۹۳۶: ۱۷). این نام هم اکنون در نقشه‌ها دیده نمی‌شود ولی به جای آن روستای بندقییر در ۳۵ کیلومتری شوشتر و در دو کرانه‌ی رودخانه‌ی گرگر قرار دارد.

۶- شهر رسقباد یا روستاگ کواد

شهر رسقباد شهری از نواحی خوزستان بود که در زمان ساسانیان روستاگ کواد (روستای قباد) نامیده می‌شد و اعراب آن را رستاقباد نامیدند. این شهر در ابتدای تأسیس روستاگ کواد و لشکر خوانده می‌شد. «لشکر بن طهمورث دیوبند آن را ساخت، شهری بزرگ که هوای آن از همه‌ی ولایت خوزستان خوشتر است. شاپور آن را تجدید عمارت کرد و مدتی آن را برج شاپور خواندند. بر دو جانب آب دو دانگه‌ی تستر نهاده است و در این شهر از ابریشم خام، مقنعه و دستمال و پارچه می‌ساختند» (لسترنج، ۱۳۳۷: ۲۵۵-۲۶۵) و پس از آن مجدداً لشگر نام گرفت. روستاگ کواد در زمان ساسانیان شهر با اهمیتی بود. این شهر میان دو رود شوشتر و مسرّقان قرار داشت (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۴۵-۴۶). امروزه محوطه‌ی تاریخی در شمال‌شرقی روستای امروزی بندقییر در ۳۵ کیلومتری شوشتر در دو کرانه‌ی رودخانه‌ی گرگر گسترده است.

۷- واسط (کسگر)

شهر واسط همچون بصره، کوفه و عسکر مکرم نمونه‌ای از یک شهر نظامی بود که در ابتدای تأسیس مطمئناً با هدف رفع نیازهای نظامی و دفاعی سپاهیان بر بقایای شهر باستانی کسگر بنا گردید؛ اما با گذشت زمان به صورت یک شهر کاملاً طبیعی به دور از اهداف نظامی و با اصول و چارچوب‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی در عرصه‌ی تاریخ به فعالیت خود ادامه داد. سبک معماری بصره و کوفه، به عنوان مهم‌ترین شهرهای اسلامی در سه قرن نخست قمری در زمان امویان، مورد تقلید حجاج بن یوسف ثقفی قرار گرفت. حجاج هم به هنگام ساخت شهر واسط به سال ۸۳ یا ۸۴ قمری همانند دو شهر بصره و کوفه به بعد طبیعی و موقعیت جغرافیایی شهر توجه وافر نشان داد (بحشل، ۱۴۰۹ق: ۲۲).

موقعیت جغرافیایی شهر واسط

ابن خردادبه در وصف واسط می‌نویسد: «شهر واسط از جانب شرقی دجله فم الصلح و در جانب غربی زرفامیه و پایان نواحی واسط از ناحیه جنوب بطایح است. پهنای واسط در خیشمیه متصل به نواحی باروسما و در جانب شرقی تا نزدیک نواحی طیب است. شهر واسط در دو طرف رود دجله قرار داشت و پلی که از قایق‌ها تعبیه شده بود، آن دو قسمت را به هم متصل می‌کرد و در هر قسمت مسجد جامعی بود.» او همچنین می‌نویسد که «واردات واسط سی هزار درهم است» (ابن خردادبه، ۱۳۷۴: ۳۳ و ۴۴).

به گفته‌ی یعقوبی «واسط دو شهر است بر دو سوی دجله، قسمت قدیمی شهر در سمت مشرق دجله است و در قسمت غربی دجله حجاج بن یوسف ثقفی شهر واسط را بنا کرد. حجاج کاخ خود و نیز قبه الخضراء که آن را «خضراء واسط» می‌گفتند و مسجد جامع را در سمت غربی شهر بنا کرد. علت آنکه این شهر را واسط گفته‌اند این است که فاصله‌ی آن با چهار شهر بصره، کوفه، اهواز و بغداد پنجاه فرسخ است» (یعقوبی، ۱۳۴۹: ۱۰۱/۲).

طریقه‌ی ساخت شهر واسط

وقتی حجاج از جنگ‌ها آسوده و در کوفه ساکن شد به یکی از معتمدان خود گفت که سرزمین مرتفعی در کنار رود دجله بیابد تا در آنجا شهری بنا کند. عده‌ای منطقه را مطالعه و پس از جست‌وجو محل تأسیس شهر را شناسایی و آنجا را برای حجاج و صف کردند. حجاج نقشه‌ی واسط را ریخت و به بنای شهر اقدام (یاقوت، ۱۳۷۴: ۳۴۸) و در سال ۸۴ ق. ساختن واسط را آغاز کرد. او مصالح مسجد را از کلیسای ماسرجیس و زندورد و دوقره آورد و پس از دو سال کوشش از بنای شهر فارغ شد (همان، ۱۳۷۴: ۳۴۸) و در سال ۸۴ ق. شهر نام واسط به خود گرفت (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۴۷). او در سال ۹۵ ق. در همین شهر درگذشت و در آنجا دفن گردید. امروزه باستان‌شناسان در خرابه‌های شهر واسط آثار مسجد و قصر حجاج را کشف کردند (لسترنج، ۱۳۳۷: ۴۳-۴۴).

به گفته‌ی مقدسی «شهر واسط شهری اسلامی از اقلیم سوم است. این شهر به طرف دجله افتاده است و غلبه‌ی او بر طرف غربی است و نخلستان بسیار دارد. منطقه‌ای خوش آب‌وهوا و ملایم که حومه‌ای گسترده و بازارهای خوب داشته است و در دو سر پل دو بند نهاده‌اند که کشتی‌ها از زیر آنجا می‌گذرند. مردمی خوش‌زبان، فقیهان و قاریان و بازرگانان و ثروتمندان دارد.» مقدسی همچنین برای شهر واسط شهرهایی بر شمرده که آبادترین آن‌ها طیب و قرقوب در روبه‌روی شهر بیان قرار داشتند و دیگر شهرهایش را کوچک و وامانده دانسته است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۵/۱؛ مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۴۷).

۸- شهر کسگر

شهر کسگر یکی از پادگان‌های نظامی سورستان عصر ساسانی بود که نام آن را از کسگر پسر طهمورث از پادشاهان فارس دانسته‌اند (یاقوت، ۱۳۷۴: ۶۱/۴). در تاریخ واسط نام این شهر باستانی از نام کسگر در مصادر و کتاب‌های آرامی گرفته شده است که حجاج بن یوسف شهر واسط را در مقابل آن ساخت (بحشل، ۱۴۰۶ق: ۲۳). شهر واسط گرچه در دوره‌ی خلافت خلفای راشدین ساخته نشد اما از جمله شهرهای اسلامی است که به تقلید از سبک و هدف ساخت پادگان شهرهای آن دوره از خلافت اسلامی تأسیس شده است. این شهر در عهد مروانیان در ابتدا با هدف نظامی و حفظ تسلط خود بر سرزمین‌های غرب امپراتوری ساسانی که همان نواحی کورالاهواز (خوزستان) بود، تأسیس شد. بنابراین طبیعی بود که حجاج بن یوسف کارگزار مروانیان به دنبال مکانی با موقعیت خاص جغرافیایی باشد. پس با تحقیقات گسترده‌ای که انجام داد شهر کسگر را که از جمله شهرهای مرزی و باستانی ساسانیان بود و با سقوط امپراتوری ایرانی از نقش و فعالیت آن کاسته شده بود و به عبارتی تا عصر مروانیان مورد توجه واقع نشد برگزید.

نتیجه

در این پژوهش به ظهور و سقوط شهرها در سال‌های نخست فتوح اسلامی پرداخته شد. تمامی شهرهای عربی - اسلامی در ابتدا با هدف تأمین نیازهای سپاهیان و نیز داشتن جایگاهی ثابت برای جلوگیری از تشتت سپاهیان و علاوه بر آن با هدف ارتباط پیوسته با مرکز خلافت و خلیفه‌ی وقت تأسیس شدند. همچنین با توجه به مطالبی که در منابع تاریخی و جغرافیایی اسلامی در خصوص نحوه‌ی ساخت این پادگان‌های اسلامی و ترقی آن‌ها ذکر شده است، می‌توان دریافت که یکی از اهداف پنهان و مهم خلافت عربی - اسلامی آن دوره بسط و گسترش اسلام بوده است. البته این هدف را در سایه‌ی عمل به اهداف نظامی، سیاسی و اقتصادی خود انجام می‌دادند. این شهرها که در کنار شهرهای مهم سرزمین‌های فتح شده ساخته می‌شدند، از ابتدا با شهرهایی که مورد تهاجم قرار گرفته بود ادغام نمی‌شد و مردمان سرزمین مجاور کم‌کم و از دور با خلق و خوی آنها و تعالیم اسلامی آشنا می‌شدند. اگرچه در ابتدا شاید هدف، نشر تعالیم اسلامی نبوده است اما به خاطر تعامل این پادگان‌شهرها با سرزمین‌هایی که فتح می‌کردند راه نفوذ دین را در جامعه‌ی جدید تسری می‌دادند. شهرهای اسلامی در ابتدای امر در کنار یا مقابل شهرهای باستانی و مرزی ساسانی ساخته می‌شدند ولی پس از تثبیت موقعیت نظامی و سیاسی خود به مرور جایگاه و موقعیت جغرافیایی و حتی نقش و فعالیت آن شهرهایی که در مقابل یا کنار آن‌ها ساخته می‌شدند را به خود می‌گرفتند و رفته‌رفته باعث سقوط

آن شهرها می‌شدند. دلیل این سقوط و انحطاط تمدنی را می‌توان در جابه‌جایی حکومت‌های آن وقت جست‌وجو کرد؛ زیرا این شهرهای باستانی مانند وه شتاباد ارد شیر، اُبله، حیره و کسکر همگی در دوران امپراتوری ساسانی به‌عنوان شهرهای مرزی و نظامی و نیز تجاری — بازرگانی در خدمت به نظام حکومتی به حیات خود ادامه می‌دادند در نتیجه با تغییر حکومت، شهرهای جدید بصره، کوفه، عسکر مکرم و واسط نقش آن‌ها را در سایه‌ی حکومت جدید به عهده گرفتند و در نهایت باعث سقوط شهرهای باستانی با آن همه قدمت تاریخی، فرهنگی و تمدنی شدند.

کتابنامه

- ابن اثیر، عزالدین ابی‌الحسن (۱۳۸۵)، الکامل فی التاریخ، ترجمه‌ی ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- ابن اعثم کوفی، محمد بن علی (۱۳۷۲)، الفتوح، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ابن بطوطه، ابو عبدالله محمد بن ابراهیم (۱۳۷۶)، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه‌ی محمدعلی موحد، تهران: سپهر نقش.
- ابن حوقل، محمد (۱۹۳۶ م.)، صورة الأرض، لبنان: المصادر.
- ابن خردادبه، عبیدالله بن عبدالله (۱۳۷۱)، المسالک و الممالک، ترجمه‌ی حسین قره‌چانلو، تهران: مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۲)، تاریخ ابن خلدون، ترجمه‌ی عبدالحمید آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۳۸۸ ق.)، المعارف، به کوشش ثروت عکاشه، قاهره.
- ابوالفداء، اسماعیل بن علی (۱۳۸۵)، تقویم البلدان، قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة.
- اسماء البصره (۱۹۲۷)، لغة العرب، بغداد، س ۵، ش ۱۰.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۶۲)، المسالک و الممالک، ترجمه‌ی محمدبن اسعد بن عبدالله تستری، به اهتمام ایرج افشار، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بحشل، اسلم بن سهل (۱۴۰۶ ق.)، تاریخ واسط، تحقیق کورکیس عواد، بیروت: عالم الکتب.
- البکری الاندلسی (۱۴۰۳ ق.)، معجم ما استعجم من اسماء البلاد و المواضع، تصحیح مصطفی سقاء، بیروت: عالم الکتب.

- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۳۳۷)، فتوح البلدان، ترجمه‌ی محمد توکل، تهران: نشر نقره.
- پیگولو سکایا، ن. (۱۳۷۲)، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه‌ی عنایت‌الله رضا، تهران: علمی و فرهنگی.
- جعیط، هاشم (۱۹۸۶ م.)، الكوفة نشأة المدینه العربیه الاسلامیه، کویت.
- جناتی، کاظم (۱۳۸۶ ق.)، تخطيط مدینه الكوفه، مقدمه‌ی احمد فکری، مجمع علمی العراق.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله (۱۳۷۸)، جغرافیای حافظ ابرو، ترجمه‌ی صادق سجادی، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب.
- حدودالعالم (۱۳۶۲)، ترجمه‌ی منوچهر ستوده، تهران: کتابخانه طهوری.
- حمزه اصفهانی، حمزه بن حسن (بی تا)، تاریخ سنی الارض والانبیاء، بیروت: دارالمکتبه الحیة.
- حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۷۴)، معجم البلدان، بیروت: دار صادر.
- دریایی، تورج (۱۳۸۸)، شهرستان‌های ایران‌شهر، ترجمه‌ی شهرام جلیلیان، تهران: تپس.
- دینوری، احمد (۱۹۶۰ م.)، الاخبار الطوال، به کوشش عبدالنعیم عامر، قاهره.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۰۹ ق.)، تاریخ اسلام، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتاب العربی.
- رجبی، محمد حسین (۱۳۷۸)، کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، تهران: دانشگاه امام حسین.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۷)، مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، تهران: امیرکبیر.
- صفری فروشانی، نعمت‌الله (۱۳۹۱)، کوفه از پیدایش تا عاشورا، تهران: مشعر.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵)، تاریخ الطبری (تاریخ الامم و ملوک)، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- عارف، عبدالغنی (۱۴۱۴ ق.)، تاریخ الحیره فی الجاهلیه و الاسلام، دمشق: دارکنان.
- علی، جواد (۱۹۷۶ م.)، المفصل فی التاریخ عرب قبل الاسلام، بیروت.
- عودی، ستار (۱۳۸۹)، «حیره»، دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- کریستین‌سن، آرتور (۱۳۴۵)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه‌ی رشید یاسمی، تهران: ابن سینا.
- گردیزی، عبدالحی بن ضحاک (۱۳۴۷)، زین الاخبار، به کوشش عبدالحی حبیبی، تهران.

- لسترنج، گای (۱۳۳۷)، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه‌ی محمود عرفان، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ماسینیون، لوئی (۱۴۰۰ق)، خطط البصره و بغداد، ترجمه‌ی ابراهیم سامرای، بیروت.
- مردیان، خدامراد (۱۳۵۵)، کشور حیره در قلمرو شاهنشاهی ساسانیان، تهران: بنیاد نوریانی.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲)، نزهة القلوب، تهران: دنیای کتاب.
- مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۱)، دایرة المعارف فارسی، تهران: امیرکبیر.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم، ترجمه‌ی علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- مهلبی، حسن بن احمد (۱۳۸۵)، العزیزی، دمشق: التراث العربی المحروق.
- نولدکه، تئودور (۱۳۷۹)، تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان، ترجمه‌ی عباس زریاب، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۴۹)، البلدان، ترجمه‌ی محمدابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.

The rise and fall of cities in Western Sassanian Iran due to the invasion of Muslim Arabs

Seyyed Hassan Qureshi Caren¹

Sohah Sharifi²

Abstract:

Basra, Kufa, Askar Makrrom and Waset are a pattern of cities designed to accommodate troops and armies, and over time took the form of an advanced Islamic city. Considering the special role these border towns of the west of the Sassanid Empire had in entering Islam in Iran, they took over the place of important cities such as Abelah, Hira, Rustak Kwad, and Kaskar. Using a theoretical and analytical approach and library method, this research, seeks answer the question: what was the purpose of the establishment of these cities and what factors have contributed to their prosperity and development? The findings of the study indicate that considering the geographical location of Mesopotamia, while the construction of the cities of Basra, Kufa, Askar Makrom and Wasit, was for military objectives, over time, with the influence of Islamic culture, an Islamic city came to exist, with all its civil elements and under influence of Iranian and Arabic culture.

Keywords: Basra, Kufa, Ashkar Makrom, Wasit, Abelah, Kavaz, Sasanids, Islamic Urban Planning

¹ . Faculty member at Payam-e-noor University.

shquorishi@gmail.com

² . M.A. of History.

Soham.sharif2014@gmail.com